تقسیم کار و همکاری در زندگی زناشویی

تقسیم کامل کار ها:

یک دفعه نگویید که امور مالی دست من است، امور بچه ها دست تو.

دوران Division of Labour گذشته است. یعنی تقسیم کار دورانش به سر آمده. این که من اصلا کاری به کار بچه‌ها ندارم، تو هم کاری به کار مسائل اقتصادی نداشته باش، گرفتاری است.

به طوری که برخی اوقات آدم از بعضی از مردها می پرسد: بچه ها کلاس چندم هستند؟، می گوید نمی دانم، خانمم می‌داند و وقتی که زن می گوید کلاس ۵ و ۷، پدر می گوید ماشالله من فکر می کردم کلاس ۳ و ۴ هستند.

اصلا خبر نداشت کلاس چندم هستند، ولی اگر بگویید چرا؟ می‌گوید خب این کارها را خانمم انجام می دهد، من خبر ندارم.

همچنین بسیاری از اوقات شما زن هایی را می بینیدکه اصلاً نمی دانند محل زندگی شوهرشان یا محل شغلش کجاست! او دوجا عوض کرده اما هنوز فکر می کنند در جای قبلی هستند.

مسئله ی مثلث:

مطالعات علمی نشان می دهد که رابطه میان زن و مرد رابطه ی بسیار شکننده ای است و به صورت یک خط است.

بنابر این وقتی که دچار اشکال می شوید اگر نتوانید پایه ی خودتان را محکم کنید و رابطه را محکم کنید، خطری که همیشه وجود دارد این است که یک ضلع سوم پیدا کنید یا نقطه ی سوم و یک چیزی به اسم مثلث درست کنید.

- مسئله ی مثلث چیست؟

وقتی شما زن و شوهر نمی‌توانید باهم سر کنید، می گویید من می خواهم درس بخوانم یا می‌خواهم کار کنم یا می‌روید سراغ مواد مخدر ولی بدترینش، داشتن بچه است.

یعنی یک بچه می‌آورید آن بالا می گذارید، حالا از نظر علمی تمام فشار و آسیبی که در سیستم شروع می شود، به سر بچه می ریزد و منفجر می شود.

یکی از کارهایی که روانشناسان می کنند این است که به مثلث سازی توجه داشته باشند. به همین علت است مسئله ی کار، تحصیل، بچه، مواد مخدر، مذهب و... ضلع سومند.
با این حال نقطه ی سودمند و بسیار خطرناک هستند.

زن و شوهر قرار است بتوانند با هم مسائل شان را حل کنند و احتیاجی به آوردن بچه و یا مصرف مواد مضر برای حل مسائل زندگی نداشته باشند،و الا گرفتاری است.

ائتلاف:

یکی از مواردی که در جامعه فراوان است این است که ناگهان پسر به مادر می‌چسبد. فرض کنید شما یک بچه دارید، بنابراین زن و شوهر این جا هستند و بچه هم همان جا حضور دارد.

یک دفعه مادر، بچه را بر می دارد و با خودش دوتایی این طرف و آن طرف می روند. پسر تان یا دختر تان یا بچه‌ها به پدر و مادر نزدیک هستند یا از آنها دور هستند، فاجعه است.

بچه ها احتیاج به این دارند که به هر دو به یک اندازه نزدیک باشند. بچه ها احتیاج به این دارند که خاطرشان آسوده باشد که در مرکزی هستند که حمایت پدر و مادر را مانند دو ستونی که سقف رویش گذاشته شده دارند.

بنابراین بیخودی کوشش نکنید این پسر و دختر را بکشید به سمت خودتان. در خانواده‌های ایرانی آن قدر هست که برخی از اوقات مااز میان پنج فرزند خود، یک بچه را می گیریم و تبدیل می کنیم به کُلفت، نوکر و پسر و دختر و شوهر و زن خودمان.

در نتیجه همه ی بچه ها و زندگی را از پا در می آوریم. این کار، کار خطرناکی است.

قواعد بد:

مطالعات علمی نشان می دهد بسیاری اوقات اشکال زندگی این است که قوانین بدی در زندگی وجود دارد.

قوانینی که باید بچه های موقع بخوابند یا بیدار شوند. قوانینی که بچه ها می‌توانند در اتاق پدر و مادر بخوابند یا نخوابند.

قاعده ی این که بچه‌ها می‌توانند خانه ی دوستانشان بروند یا نروند تمام است. تمام قواعد هرچه که اسمش را می گذارید رادرخانه چک کنید و خاطر تان آسوده باشد شما دقیقاً می دانید چه کار دارید می کنید.

قوانین خانه ها اغلب اوقات بد و غلط است. اشکال نه در پدر و نه در مادر است نه در بچه است بلکه در قاعده و قانون است.

مانند این که در شهر تهران بگویید سرعت ها باید ۴۰ کیلومتر در ساعت باشد یا همه باید ۱۰۰ کیلومتر سرعت داشته باشند برای این که می خواهیم زود به کارمان برسیم.

این دستور و این قانون موجب مرگ و گرفتاری در جامعه خواهد بود.

عادات و اعتیادات مضر:

ما همگی تعدادی عادت بد داریم. مقداری اعتیاد داریم. نگوییدیک نخود تریاک است مشکلی نیست.

هیچ دکتری توصیه نمی‌کند اگر هم توصیه کرده اشتباه کرده یا بگویید علم ثابت کرده که نکرده، ماری جوانا اشکالی نداره!!

این مزخرفه ، شما بعد از چهار سال داغون خواهید شد رفت ، وگول این تبلیغات و بازیها وحقه بازیها را نخورید که عده‌ای به حساب خودشان تحقیقات کردند!!!

یا من مثلاً عادت دارم که هر صبح به خانه مادرم بروم یا شب بروم خانه مادرم. جز در وقت ضرورتی که احتیاج به یک همچنین مواظبت و مراقبتی است، این کارها معنا ندارد.

یا بعضی اوقات من شب ها می روم آنجا و چون خسته ام یک چیزی می خورم وبعد تلفن می زنم که من همین جا می خوابم.

یک خانم و آقایی که هر دو متخصص هستند نزد من آمدند که آقای دکتر این پدر و مادر من فکر می کنید بعد از چند سال می میرند؟

پدر و مادر هم آمدند.دیدم ماشاالله از هر دوی این ها هم سرحال تر هستند.به هر دو تای آنها گفتم این ها تا شما دوتا را خاک نکنند نمی میرند.

لطفاً این بازی ها را کنار بگذارید. و این یک بازی بود که پسر در آورده بود که من چند ساله هستم؟ هیچی، یعنی این عادتها را مواظبش باشید.

نه پدر همسرتان باشید و نه مادرش:

در زندگی زناشویی تان نه پدر همسرتان می توانید بشوید نه مادرش. نه پسرش می توانید با شید نه دخترش، نه روانشناسش می توانید باشید نه نجات دهنده اش.

رابطه ی زن و شوهری غیر از زن و شوهر هیچ چیز دیگری نیست. برخی از شما دوست دارید که در زندگی زناشویی یکی پدرتان شود و یا یکی مادرتان شود، یا یکی معلم تان شود و دیگری دکتر تان.

یعنی دائما نقش مریض را دارید و او هم نقش دکتر. شما می شوید پدرش واو هم می شود دخترتان. بنابراین غالب اوقات این دختر بزرگ می‌شود و می‌رود.به همین سادگی.

بنابراین مواظب باشید رابطه ی زناشویی فقط رابطه ی زناشویی است. به همین علت با فردی که دکترتان است یا کسی که تراپیست تان هست یا بافردی که پدرتان هست و یا مادرتان هست ازدواج نکنید.

در حالی که بسیاری از اوقات این طور هست. برخی می گویند که آقای دکتر سن چه اشکالی دارد. در صورتی که اشکال دارد.

به من نگویید سن چه اهمیتی دارد.بسیاری از اختلاف ها به خاطر همین سن و سال است و فهم و درک یعنی اگر یک زن و مرد ۶۰ سال از یک پسر و دختر ۲۰ ساله خوششان می آید شاید خوش ذوق باشند ولی این دختر و پسر ۲۰ ساله دیوانه هستند!

و اگر می‌خواهید بحث کنید یعنی بحث های بی پایه و بی مایه است.

پنهان کاری نکنید:

لطفاً سانسور نکنید. کلک نزنید. یعنی یک طوری اوضاع را درست نکنید که زیر زیرکی، کارها را انجام دهید.

نُه بازی در خانواده وجود دارد که از همه بد ترش و خطرناک ترش قهر است. قهر بدترین نوع خشم و دشمنی است.

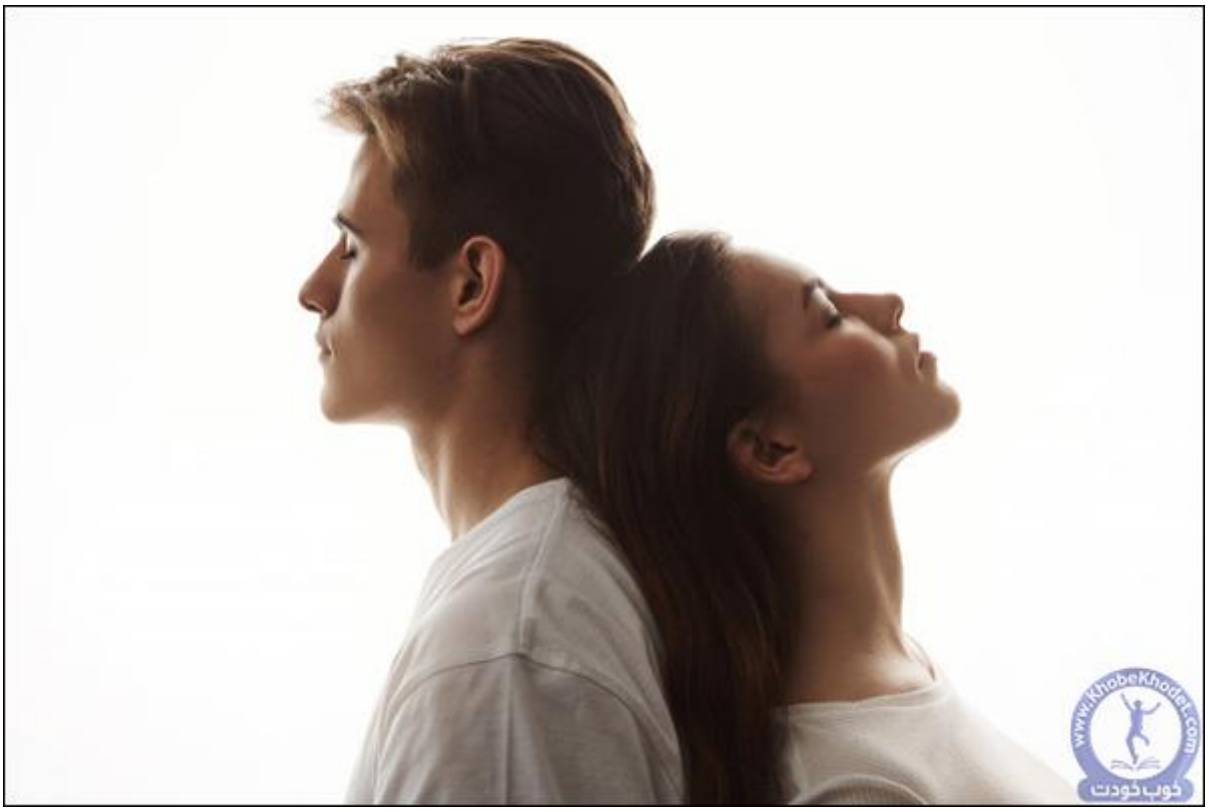

پنهانی مثل موریانه، زندگی را می خورد. حالا جالب این جاست که بسیاری از ما دست به قهر کردن مان خوب است، عده ای هم دست به قهرنکردنشان.

بعد هم طرف می‌گوید عجب خوب شد ما هیچ اقدامی نکردیم، خودش آمد که آشتی کند. در صورتی که ما گناه کاریم و خود ما برنده هم هستیم.

فاجعه این که حتی برخی مقداری پول برای روز مبادا به صورت پنهان کاری و دروغ و فریب کنار می گذارند و مثلاً با مادرش یک صحبتی می کنم ولی به خودش نمی گویم. این کارها بسیار خطرناک است.

روابط غیر کارکردی:

فقط اشاره کنم چهار نوع روابط غیر کارکردی داریم:

۱Placating – ، یعنی من اهمیت ندارم، تظاهر است،تعارف است، دروغ است. من بی ارزشم. من بی اهمیتم.

هرچی تو بخواهی، هرچی تو دوست داشته باشی.

من اصلاً کسی نیستم. من به این دنیا آمدم به خاطر شما. من زندگیم راوقف زن و بچه هایم می کنم.

من اصلا آدم نیستم. برای خودم چه چیزی خریدم نه لباسی، نه چیزی، فقط شما خوش باشید، به خوشی شما ما خوشیم.

شما خوشبخت باشید، ما هم خوشبختیم. نباشید ما هم بدبختیم،. از این پرت وپلاها. بسیاری از شما نوع رابطه تان تمام مدت هم این نوع رابطه است.

یعنی من هیچم، بی ارزشم، بی اهمیتم.

۲Blaming– یک عده تان درست برعکس سرزنش کننده هستید. همیشه تقصیر تو بود، تو کردی، بچه ها را این طور بار آوردی.

یادت هست دو سالش بود، گفت نمی‌خواهم، خواستم بزنم تو گوشش تو نگذاشتی. اگر همان موقع زده بودم تو گوشش الان آدم شده بود.

حالا بیا و درستش کن. شما در خانواده هایی می بینید، کی بود، کی بود من نبودم تقصیر تو بود.

۳Computing–در شما آقایان فراوان است.
مخصوصاً اگر مهندس باشید خدا به خیر کند. همیشه حرف های حسابی این با آن نمی خورد.

انگار مثلاً دنیا همش از ضرب و جمع است، در بسیاری از موارد یعنی حسابگر. اصلاً بچه این کار را بکند! بچه قرار نیست تا ساعت ۸ بیدار باشد، از کجا آمده؟

بچه قرار نیست این قدر بستنی بخورد. کی گفته؟!
یعنی همین جوری برای خودتان داستان درست می کنید. بنابراین computingوحسابگر ظاهراً حرف حسابی می‌زنند ولی مطلقاًحرف شان حساب نیست.

۴–Distracting پرت و پلا گفتن. حتماً به همسرتان پرت و پلا می گویید. مثلاً چرا نرفتی بچه را از مدرسه بیاوری؟

او می‌گوید تواول برو دماغت را عمل کن بعد. چه ارتباطی بین این دو تاست جز پرت و پلا. درست مثل بچه هایی که وقتی به آنها می گویید چرا، می گویند زیرا.

اگر در زندگیتان این چهار نوع را دارید فاجعه است.مواظب این روابط باشید.

رابطه ی جنسی:

قبلاً اشاره ای کرده ام که رابطه ی جنسی را تعطیل نکنید کمک بگیرید، نه از همسایه‌ها!

در زندگی مواظب رابطه ی جنسی با شید برای این که اصلا شما به این دلیل ازدواج کرده‌اید.
به من نگویید برای چیزهای دیگر بود می‌فهمم، ولی مواظب این باشید.

برای این که اگر رابطه ی جنسی را خراب کردید و به هم زدید بعد از یک مدتی خیلی چیزی باقی نمی ماند و بعد هم اگر کسی هستید به این چیزها علاقه ندارید دنبال مسائل روحانی و معنوی هستید بهتر است یک ذره از آن آسمان ها بیایید پایین.
برای این که وقتی بیایید پایین متوجه می شوید طرف رفته است و آن وقت هست که گرفتاری پیدا می شود.

مبادا رابطه ی جنسی را دست کم بگیرید و آن را کم اهمیت نشان بدهید و آن هم به دلیل باورها و اعتقاداتتان.

دکتر هلاکویی